

روزنه

بازگشت عراق به آغوش کشورهای عربی

● پس از چند هفته هماهنگی و اقدامات لازم از سوی دولت عراق برای میزبانی کنفرانس بغداد برای همکاری و شراکت، این کنفرانس روز گذشته با مشارکت کشورهای عربی، منطقه‌ای و بین‌المللی برگزار شد. در این کنفرانس علاوه بر کشورهای هم‌جوار عراق به‌جز سوریه، کشورهای مصر، قطر، امارات، آمریکا، بریتانیا و فرانسه نیز حضور داشتند. به نظر بهاء خلیل، نویسنده و تحلیلگر مسائل سیاسی عراق، هدف اصلی از برگزاری این کنفرانس، اعطای تضمین‌هایی از سوی فرانسه، قطر و آمریکا مبنی بر تأمین امنیت کشورهای عضو شورای همکاری پس از خروج قریب‌الوقوع آمریکا از عراق در اواخر سال جاری است. او در گفت‌وگویی با پایگاه خبری الخلیج آنلاین، عنوان کرد این کنفرانس در چارچوب طرح و برنامه‌های عراق برای بهبود روابط خود با کشورهای منطقه و به‌ویژه عربستان برگزار می‌شود.

خلیل به حضور گسترده کشورهای عربی در سطح رسمی و استقبال مردمی از این کنفرانس اشاره کرد و گفت کارزارهایی در شبکه‌های اجتماعی برای حمایت از عراق راه افتاده است و اظهارات رسمی بسیاری از مقامات عربستان، امارات و کویت درباره نقش آتی عراق و بازپس‌گیری نقش خود در منطقه به‌خصوص پس از برگزاری انتخابات و تشکیل دولت جدید مطرح شده است. او در ادامه افزود که کشورهای عضو شورای همکاری به کمک عراق در این شرایط سخت اهتمام دارند و عراق و کشورهای عضو شورای همکاری به‌صورت متقابل به یکدیگر روی آورده‌اند و آغوش گشوده‌اند و اگر تضمین‌های کافی از سوی دولت آمریکا و فرانسه به کشورهای عضو شورای همکاری داده شود، منطقه به‌سرعت شاهد بازگشت عراق به آغوش کشورهای عربی خواهد بود.

از طرفی دیگر مثنی امین، عضو کمیسیون روابط خارجی پارلمان عراق، در اظهاراتی به شبکه روداوو گفت: عراق تلاش می‌کند پل ارتباطی بین کشورهای هم‌جوار، به‌ویژه ایران و عربستان باشد؛ چراکه اختلافات بین طرفین بر کل منطقه تأثیر می‌گذارد و روابط دوستانه و برقراری صلح و ثبات در منطقه جزئی از منافع سیاسی و اقتصادی عراق محسوب می‌شود. به اعتقاد او، برگزاری کنفرانس منطقه‌ای در بغداد، تلاش برای ایجاد دیدگاهی برای صلح منطقه‌ای، ثبات و سازندگی اقتصادی و بهبود شرایط بین کشورهای منطقه، پیش از آنکه به نفع کشور دیگری باشد، به نفع عراق است. این عضو کمیسیون روابط خارجی پارلمان عراق در ادامه اشاره کرد که این کنفرانس چه موفقیت‌آمیز باشد چه نباشد، در راستای تلاش در مسیر درست و مورد نظر است و حتی اگر به‌صورت نسبی یا کلی ناکام بماند، این گام، گام درستی است. ناظران معتقدند هرچند این کنفرانس منجر به توافقاتی بین کشورهای شرکت‌کننده نشود، گامی در جهت گفت‌وگوها در آینده بین کشورهای دارای اختلاف و ایجاد دیدگاه مشترک برای حل اختلافات منطقه است.

۵۰ سال پیش جان کری، وزیر خارجه سابق ایالات متحده، سوآلی را در برابر کمیته روابط خارجی سنا مطرح کرد که احتمالاً این روزها بسیاری از آمریکایی‌ها آن را از خود پرسیده‌اند: «چگونه می‌توان مشخص کرد که فردی، آخرین قربانی اقدامی اشتباه باشد؟».

پنجشنبه گذشته حداقل ۱۳ سرباز آمریکایی در حمله به جمعیتی از افغان‌ها که قصد ورود به فرودگاه کابل را داشتند، کشته شدند. آنها در راه نجات جان متحدهان خود و برای حفاظت از افراد در برابر آزار و اذیت طالبان و شاید کشته‌شدن به دست آنها، جان خود را از دست دادند.

این محافظت از متحدهان، نه‌تنها اشتباه نبود، بلکه از محدود اقدامات درست در این جنگ بود. اگرچه مرگ آنها نتیجه جنگ ایالات متحده بود و این کشور در ۲۰ سال گذشته تقریباً هر اشتباه ممکن را مرتکب شده است.

با کشته‌شدن بیش از صد غیرنظامی افغان، یکی از غم‌بارترین روزها برای افغان‌ها رقم خورد. عامل این کشتار یکی از شاخه‌های محلی داعش به نام «داعش شاخه خراسان» عنوان شد. این نامی است که داعش فعال در افغانستان با آن شناخته می‌شود. در این میان، برخی نیز طالبان را که کنترل کابل را بر عهده دارند و مسئول عبور مهاجمان از ایست‌بازرسی‌هایی هستند که به حاشیه فرودگاه منتهی می‌شوند، مقصر می‌دانند.

طالبان در تمام این سال‌ها تعداد زیادی از افغان‌ها و آمریکایی‌ها را کشته‌اند و در میان اعضای این سازمان، بسیاری هستند که همچنان معتقدند آمریکایی‌ها و هر فردی که به نحوی با آنها همکاری کند، مستحق مرگ است. با این حال حتی مقام‌های ارشد آمریکایی نیز هنوز به ماهیت این گروه افراطی که بر افغانستان حاکم شده است، نگاهی خوش‌بینانه دارند.

«لنسون پانه‌تا»، وزیر دفاع سابق آمریکا و مدیر پیشین سی‌ا، در واکنش به سقوط دولت افغانستان و سلطه طالبان بر این کشور هشدار داد که «انتظار دارم طالبان پناهگاهی امن نه‌فقط برای القاعده، بلکه برای داعش و دیگر گروه‌های تروریستی ایجاد کند.» با این حال طالبان ادعا می‌کند در جریان انفجار روز پنجشنبه در نزدیکی فرودگاه کابل، ۲۸ شبه‌نظامی این گروه نیز قربانی شده‌اند. اما باید سابقه طالبان را به خاطر بسپاریم و به راحتی این ادعا و ادعای اصلاح‌شدن آنها را نپذیریم. در عین حال باید توجه داشته باشیم که این گروه‌های تروریستی تا چه حد یکدیگر را تحقیر می‌کنند و چرا داعش شاخه خراسان از هر انکیزه‌ای برخوردار است تا افغان‌ها و آمریکایی‌ها را زیر نظر طالبان قربانی کند.

هنگامی که طالبان در ابتدای ماه اگوست وارد کابل شدند و حکومت افغانستان سقوط کرد، آنها امکان را داشتند که از دشمنان خود ازجمله دولتمردان افغانستان انتقام بگیرند؛ اما آنها انتقام از دشمنان را به استثنای یک مورد متفی دانستند. در روزهای گذشته وال‌استریت ژورنال خبر داد که «از زمانی که طالبان کنترل افغانستان را در دست گرفته، تنها یک فرد شناخته‌شده اعدام شده است؛ ابوعمر خراسانی، رئیس سابق داعش شاخه جنوب آسیا. طالبان او را از زندان دولت افغانستان بیرون کشیدند و درجا کشتند.»

اختلاف داعش وطالبان

اما چرا این گروه‌های افراطی نمی‌توانند با هم کنار بیایند و خط آتش خود را به‌طور مشترک علیه



حمله داعش به فرودگاه کابل زنگ خطرِ برای طالبان و افغانستان

دو خلیفه در یک اقلیم

آمریکا به کار گیرند؟ وب‌سایت آتلانتیک در گزارشی می‌نویسد که عمیق‌ترین دلیل آن ایدئولوژیک است. ملاعمر، بنیان‌گذار طالبان، خود را «امیرالمؤمنین» می‌نامید که معادل واژه کلاسیک «خلیفه» است.

انتقام گنگ از یک حمله دقیق

۳۶ ساعت طول کشید تا هوایم‌های بدون سرنشین آمریکا، آن‌طور که مقامات کاخ سفید می‌گویند، به گروه داعش خراسان در افغانستان حمله کنند؛ آن‌هم بعد از آنکه فرودگاه کابل هدف حمله انتحاری دقیقی قرار گرفت و دست‌کم ۱۷۰ نفر ازجمله ۳۰ پرسنل نظامی آمریکا کشته شدند. ارتش ایالات متحده معتقد است «طراح عملیات‌های داعش» را کشته است؛ اما در بیانیه این ارتش مشخص نشده آیا این فرد به‌طور خاص با حمله روز پنجشنبه در فرودگاه بین‌المللی حامد کرزی مرتبط بوده است یا خیر. با این حال، ارتش آمریکا در بیانیه‌اش اعلام کرد که معتقد است این عملیات را با موفقیت انجام داده است. بیل اوربان، سخنگوی سنتکام، در بیانیه‌ای با اشاره به پذیرش مسئولیت حمله انتحاری از سوی داعش اعلام کرد: «نیروهای ارتش آمریکا یک عملیات ضد تروریستی را علیه یک طراح داعش انجام دادند. این حمله با استفاده از هوایم‌های بدون سرنشین در استان ننگرهار افغانستان رخ داد.» او افزود: «نشانه‌های اولیه حاکی از آن است که ما هدف را کشته‌ایم. ما از تلفات غیرنظامیان خبری نداریم.» هرچند سوالات متعددی درباره نحوه اجرای چنین حمله‌ای وجود دارد، اما جو بایدن، رئیس جمهوری آمریکا، بدون اشاره به جزئیات این حمله و سرنوشت مردم افغانستان زیر لوای پرچم حکومت طالبان، گفت: تروریست‌های داعش پیروز نخواهند شد. ما آمریکایی‌ها را نجات خواهیم داد. ما متحدان افغان خود را بیرون خواهیم کشید و مأموریت ما ادامه خواهد یافت. آمریکا مرعوب نخواهد شد. او ادامه داد که فرماندهان نظامی در افغانستان به او گفته‌اند تکمیل مأموریت خروج از افغانستان مهم است. شنیدن صدای مختلف از درون کاخ سفید در هفته‌های گذشته بسیار زیاد شده است. در حالی که بایدن و برخی از مقامات دولتش می‌گویند عملیات روز گذشته موفق بوده است، جان کری، سخنگوی پنتاگون، در پاسخ به سؤال خبرنگاری که پرسید چرا آمریکا تدابیری برای جلوگیری از این فاجعه اتخاذ نکرده است، گفت: هزاران نفر از نیروهای داعش خراسان پس از اینکه دو زندان مهم افغانستان به دست طالبان افتادند، آزاد شدند. اکنون بسیاری از این متقدان سیاست‌های بایدن می‌گویند که آمریکا، این نیروها را پیش از خروج از افغانستان باید به زندانی مثل گوانتانامو در کوبا منتقل می‌کرد و انجام‌دادن این کار صلاحیت بایدن را بار دیگر زیر سؤال می‌برد.

نمایندگان دولت مشروع افغانستان

در چنین شرایطی دو سناتور جمهوری‌خواه آمریکایی قدرت‌گرفتن طالبان در افغانستان را غیرقانونی خوانده و از جو بایدن، رئیس جمهوری ایالات متحده، خواستند دو نفر از چهره‌های مخالف این گروه را به‌عنوان «نمایندگان دولت مشروع» افغانستان به رسمیت بشناسد. به گزارش نشریه هیل، لیدری گراهام و مایک والتز در یک بیانیه مشترک نوشتند: «پس از صحبت با ام‌رالله صالح، معاون رئیس جمهوری افغانستان و نمایندگان احمد مسعود، ما از دولت بایدن می‌خواهیم این رهبران را به‌عنوان نمایندگان دولت مشروع افغانستان شناسایی کند.» آنها همچنین از دولت بایدن خواسته‌اند رسماً اعلام کند قانون اساسی افغانستان هنوز بدون تغییر بایرجاست و قدرت‌گیری طالبان در این کشور غیرقانونی است.

تحلیلگران بر این باورند که بدون شک با روی کارآمدن طالبان، افغانستان به بهشتی برای رشد و نمو گروه‌ها و جنبش‌های افراطی در منطقه و جهان تبدیل خواهد شد؛ وجود انباز‌های دولتی که دو دهه با سرمایه‌های غربی تقویت شد و باقی‌ماند بیش از ۸۳ میلیارد دلار سلاح آمریکایی در افغانستان، این بهشت را تضمین می‌کند. افغانستان تحت حکومت طالبان نیز به رشد اسلام‌گرایی در آسیای میانه، پاکستان، بنگلادش و استان‌های مسلمان‌نشین هند و چین دامن خواهد زد. این جنبش‌ها نشان داده‌اند که وجه انترناسیونالیستی دارند و بدون بسط خود به دیگر نقاط، خود را ابتر تلقی می‌کنند.

بود. علاوه بر این، ملاعمر نه از قبیله اعراب بلکه یک پشتون بود. یکی دیگر از الزامات خلیفه‌بودن این است که او باید زنده باشد. ملاعمر در سال ۲۰۱۳ درگذشت، ولی طالبان مرگ او را دو سال پنهان کرد.

ابوبکر البغدادی، رهبر داعش، با استناد به این موارد، در سال ۲۰۱۴ و هنگامی که بخش‌هایی از سوریه و عراق را تحت کنترل درآورد، خود را خلیفه نامید و بی‌وقفه طالبان را به دلیل آنچه «عدم رعایت اساسی‌ترین و پایه‌ای‌ترین قواعد اسلامی» می‌خواند، مورد تمسخر قرار می‌داد. طالبان نمی‌توان به‌راحتی توهین به رهبرش را نادیده بگیرد. همچنین نمی‌تواند آنچه را که پس از آن اتفاق افتاد، فراموش کند؛ یک چالش نظامی همه‌جانبه از سوی داعش برای برتری بر طالبان و تثبیت خود به‌عنوان تنها نیروی چریکی اسلام‌گرای افغانستان. جنگ داعش و طالبان به‌ویژه در مناطق شرقی افغانستان بسیار خونین بود. ایالات متحده برای کمک به طالبان مداخله کرد. استتلال آمریکا این بود که طالبان تنها به کسب قدرت در افغانستان امیدوار است و در همین کشور با غرب مبارزه می‌کند؛ اما داعش اگر فرصت داشته باشد، هر نقطه از جهان را هدف حملات خود علیه غرب قرار می‌دهد.

تغییر استراتژی

هنگامی که طالبان کنترل کابل را در دست گرفت، داعش شاخه خراسان عملیات خود را متوقف کرد. ناظران باهوش‌تر تأکید می‌کردند که این دوره آرامش نسبی در واقع یک دوره ازربایی مجدد استراتژیک به نظر می‌رسد و آنها می‌خواهند ارزیابی کنند که چگونه بر هر دو دشمن داعش ضربه‌ای کاری وارد کنند.

طالبان در گفتار و عمل اعلام کرده‌اند که مهم‌ترین اولویت آنها حفظ نظم عمومی و جلوگیری از فرار سرمایه مالی و انسانی از افغانستان است. اولویت آمریکا هم خروج منظم شهروندان و برخی از افغان‌هایی است که ایالات متحده به آنها دین خاصی دارد.

به نظر می‌رسد طالبان با همه اشتباهات خود، این آسیب‌پذیری را در مناطق اطراف فرودگاه درک کرده و سعی کرده‌اند که جمعیت اطراف این منطقه را همواره کوچک نگه دارند. اما چشم‌انداز حکومت آنها بسیار ترساک است و به هر حال انبوهی از مردم افغانستان که منتظر خروج از این کشور هستند، در اطراف ورودی‌های فرودگاه ایجاد ازدحام کرده‌اند و آمریکایی‌ها هم نمی‌توانند یـا نمی‌خواهند آن‌قدر سریع آنها را پراکنده کنند.

بایدن در سخنرانی اخیر خود پس از انفجار به نکته‌ای اشاره کرد که باید مورد توجه طالبان قرار گیرد. او گفت «به نفع طالبان است که قدرت و فضای مانور داعش خراسان افزایش نیابد.» اما یک شهروند افغان آنچه را که انفجار پنجشنبه نشان داد، به سه گونه‌ای دیگر در نظر می‌گیرد. هنگامی که شوری در سال ۱۹۸۹ در افغانستان خارج شد، دولتی که آنها برجا گذاشتند به‌سرعت سقوط کرد و طی یک دهه پس از آن، گروه‌های مختلف کل کشور را به خرابه تبدیل کردند. پس از منظر آنان چشم‌انداز حکومت طالبان یا حتی حکومت داعش به اندازه کافی بد است. بدتر از آن این است که بسیاری از جناح‌ها و قومیت‌های افغانستان که برخی مسلح و مورد حمایت خارج از کشور هستند، با بمب‌گذاری و کشتن افراد بی‌گناه، مبارزه بر سر قدرت را از سر بگیرند.

اولین مذاکرات پنتاگون با ارتش چین در دولت بایدن

آمریکا – چین برای برقراری یک ویدئوکنفرانس امن استفاده کردند. دو طرف روی اهمیت بازماندن کانال‌های ارتباطی میان دو ارتش اتفاق نظر داشتند. مقام‌های می‌گویند لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا، هنوز با چینی چیزی خود صحبت نکرده و بخشی از آن به علت این بحث است که کدام مقام چینی هم‌ای ژنرال آستین محسوب می‌شود. اوایل ماه ژوئن تلاش ناکام لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا، برای صحبت با مقامات ارشد ارتش چین خیزبراس شده بود. پکن علت عدم برقراری تماس میان وزیر دفاع آمریکا و مقامات ارشد ارتش چین را نقض پروتکل‌های مربوطه توصیف کرد.

منابع نظامی چین توضیح دادند آستین در اقدامی غیرحرفه‌ای قصد داشت با معاون رئیس کمیسسیون ارتش مرکزی چین مکالمه داشته باشد که مقام هم‌سطح او محسوب نمی‌شود. به گفته منابع، این مقام چینی و «وی فنگ»، وزیر دفاع چین، هر دو مستقیماً به «شی جینپینگ» رئیس‌جمهور این کشور گزارش می‌دهند. اما با این حال از نظر سلسله‌مراتب نظامی، وی فنگ هم‌ای رئیس پنتاگون محسوب می‌شود. روز پنجشنبه کاملاً هریس، معاون رئیس‌جمهوری آمریکا گفت ایالات متحده از رقابت با پکن استقبال می‌کند و به دنبال درگیری نیست، اما روی طرح مسائلی ازجمله اختلافات دریایی در دریای چین جنوبی ایستاده است. چین، ویتنام، برونئی، مالزی، فیلیپین و تایوان روی بخش‌هایی از دریای چین جنوبی ادعا دارند.

نگاه

پناه‌جویان افغان ابزار چانه‌زنی ترکیه با اروپا

● سیاستن کورتر، صدراعظم اتریش، اوایل تابستان امسال به چند دولت اروپایی دیگر پیشنهاد داد ترکیه مناسب‌ترین پناهگاه برای پناه‌جویان افغانستانی است که از طالبان فرار می‌کنند. مخاطب اصلی او نه ترکیه بود و نه خود افغان‌ها. به نوشته اکونومست، در پاسخ به این نظر، رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه، هفته گذشته اعلام کرد ترکیه «انبار پناهندگان اروپا» نخواهد بود؛ مسئله‌ای که اکثر ترک‌ها با آن موافق‌اند. در کشوری که در آن بیش از چهار میلیون مهاجر و پناهنده ازجمله ۲۰۰ تا ۶۰۰ هزار تبعه افغانستان زندگی می‌کنند، خشم از مهاجران تازه‌وارد افزایش یافته است. اما موضوع ناامیدکننده برای ترکیه این است که این کشور رسماً نامزد عضویت در اتحادیه اروپاست و موضوعات اخیر به سدی در برابر پیشبرد این روند تبدیل شده‌اند.

تا سال‌ها توصیف عملکرد سیاسی مذاکرات عضویت بین ترکیه و اتحادیه اروپا، تداعی‌کننده یک جوک قدیمی در شـوروی بود: «ما تظاهر به مذاکره می‌کنیم و آنها تظاهر به اصلاحات.» اما امروز دیگر تظاهرکردن فایده‌ای ندارد. روند الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا مرده است. در عوض، توافقی که اتحادیه اروپا با آقای اردوغان منعقد کرد تا مهاجران و پناهندگان را از اروپا دور نگه دارد، محور اصلی این روابط است؛ موضوعی که حالا آن هم زیر فشار قرار گرفته است. از نظر تئوری، تنها کاری که برای رفع این مشکل باید انجام شود، این است که بگویند ترکیه دموکراتیک، خلاف دولت پلیسی که اردوغان رهبر آن است، می‌تواند انتظار داشته باشد که پس از اصلاحات، در اتحادیه اروپا جای داشته باشد.

به نوشته اکونومست، رئیس‌جمهور ترکیه مخالفان کرد خود را زندانی و جریان اصلی مخالفان خود را از آزار و اذیت کرده است. او مطبوعات و دادگاه‌ها را هم عقیم کرده و در شرق مدیترانه شرقی با یونان، قبرس و فرانسه درگیر شده است. همان‌طور که یک وزیر خارجه آلمان چند سال پیش گفت اتحادیه اروپا تا زمانی که اردوغان در قدرت باشد، ترکیه را از این اتحادیه دور نگه می‌دارد. با این حال، حقیقت این است که احتمالاً بدون توجه به اینکه چه کسی در ترکیه رئیس است، چنین موضعی ادامه خواهد یافت. در حال حاضر، هم اتحادیه اروپا و هم ترکیه به این نتیجه رسیده‌اند که بهترین کار مسکوت‌گذاشتن موضوع است. اروپا مجبور نیست فرایندی را که به آن اعتقاد ندارد پیش ببرد و اردوغان مجبور نیست اصلاحاتی را که کنترل او بر بخش‌هایی از اقتصاد ترکیه و نهادهای آن را تضعیف می‌کند، اجرا کند.

نتیجه این استراتژی توافقی است که دو طرف در سال ۲۰۱۶، پس از رسیدن نزدیک به یک میلیون مهاجر و پناهنده به یونان، انجام دادند. در ازای شش میلیارد دلار کمک به پناهندگان سوری و وعده سفر بدون نیاز به روایت ترک‌ها به اروپا، دولت اردوغان شبکه‌های قاچاق انسان را مهار کرد. در سال گذشته، تعداد پناهندگانی که از خاک ترکیه رد شدند، به کمتر از ۱۰ هزار مورد کاهش یافته است؛ درحالی‌که در سال ۲۰۱۵ این رقم تا ۸۵۰ هزار مورد رسیده بود. اکنون برخی در اروپا پیشنهاد می‌کنند مفاد این توافق‌نامه پناه‌جویان افغان را نیز شامل شود. این توافق نحوه تجارت اتحادیه اروپا و ترکیه را هم تغییر داده است. مایکل لی، یکی از مقام‌های سابق اتحادیه اروپا، می‌گوید دولت‌های اروپایی، به‌ویژه آلمان، اکنون بسیار محتاط هستند. اهرم فشار اتحادیه اروپا بر رهبر ترکیه در حال ازبین‌رفتن است. این اتحادیه هزارگانه‌ی درباره حقوق بشر، دموکراسی و نیاز به یافتن راه‌حل در قبرس، مسائلی را مطرح می‌کند و اردوغان هم آنها را نادیده می‌گیرد. توافق مهاجرت اگرچه به مهار واکنش‌های پوپولیستی در اروپا یاری کرده است، اما به جرقه‌خوردن آنها در ترکیه کمک کرده است. ناراضی‌تی از پناهندگان که به دلیل بحران اقتصادی افزایش یافته است، حالا گهگاه به خشونت هم کشیده می‌شود. در اوایل ماه جاری و پس از مرگ یک نوجوان ترک در درگیری مردم محلی و پناهندگان، گروهی در آنکارا شون و مغازه‌های سووری‌ها را تخریب کردند. چنین حوادثی با توجه به حجم جمعیت پناهندگان درخو ر توجه است اما تنش‌ها همچنان بیشتر می‌شود؛ زیرا ده‌ها هزار تازه‌وارد ازطریق ایران به ترکیه وارد می‌شوند، البته این‌بار از افغانستان.

اکونومست در بخش دیگری از مقاله نوشته تا همین اواخر، مهاجرت در سیاست ترکیه موضوع مهمی نبود، اما حتی این در حال تغییر است و مخالفان از احساسات ضدپناهندگی استفاده کرده‌اند. کمال قلیچ‌دار اوغلو، رهبر بزرگ‌ترین حزب اپوزیسیون ترکیه، اخیراً متعهد شده است که اگر حزبش قدرت را در دست بگیرد، همه پناهندگان سوری را به خانه می‌فرستد. به نظر می‌رسد این قبل اظهارات را به زمان برگزاری انتخابات ۲۰۲۳ بیشتر شود و از توافق با اتحادیه اروپا مطمئن اتقاد خواهد شد. برخی از دیدمات‌های ترک پیشنهاد می‌کنند که روابط با اتحادیه اروپا از طریق مانورهای ظاهرا تکنوکراتیک ازجمله ارتقای قوانین گمرکی این اتحادیه با ترکیه، آزادسازی روایتید و همکاری در سیاست خارجی اصلاح شود، اما حتی این هم ناممکن به نظر می‌رسد. ترکیه نمی‌خواهد با اقدام‌هایی ازجمله بازنگری در قوانین تروریسم، امتیازات لازم را به دست آورد و اتحادیه اروپا هم نمی‌خواهد به‌عنوان پاداش آنها به اردوغان امتیاز دهد.

منبع: ایندیندنت



پیکار علیه فراموشی

یادداشتی از **همایون کاتوزیان** به یاد حبیب لاجوردی

چپ‌هایی که لیبرال شدند

نشریهٔ «کیهان فرهنگی» به روایت محمود شمس‌الواعظین و رضا تهرانی

زاده‌اضطراب جهان

گزارشی از سیمای فکری و زندگی فرهنگی **محمد مختاری**

لیبرال‌یسم در خاک غریب

مقاله‌ای از ای.اچ. کار دربارهٔ ناکامی لیبرال‌های روس

نوای سوخته

گزارشی دربارهٔ آخرین نسل زنان موسیقی نواحی ایران



اصلاح‌طلبی آلوده به استبداد

نوشتاری از **حمید شوکت** دربارهٔ مصائب اولین حکومت مشروطه

انقلاب علیه ناکار آمدی

پرونده‌ای به مناسبت یکصد و پانزدهمین سالگرد **انقلاب مشروطه** با روایت‌هایی از: علی قیصری سهراب یزدانی، فریدون مجلسی کامران سپهران، داریوش رحمانیان

اصلاح‌طلب محافظه‌کار در عصر انقلاب

پژوهشی دربارهٔ مشی فکری و سیاسی **مهدیقلی‌خان هدایت**

سیاست‌های پدران بنیان‌گذار

پژوهشی از علی‌اصغر سعیدی دربارهٔ سرمایه‌داری خانوادگی